

روابط بین زن و مرد و فرزندان با تأکید بر آثار درونی و بیرونی مدارا با رویکردی بر آموزه‌های دینی

سکینه گنج‌خانلو^۱، مریم علیزاده^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری مطالعات زنان، گروه مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

s.farhadi_ch@yahoo.com

۲. دکتری مدرسی معارف اسلامی و مدرس، گروه قرآن و متون اسلامی، دانشکده معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول).

alizadeh62@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۱/۷/۱۸]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۱/۴/۲۶]

چکیده

مدارا یکی از صفات برجسته انسانی است که خداوند این ویژگی را در قرآن به‌عنوان نعمت و رحمت الهی قلمداد فرمود مدارا به‌عنوان یک فضیلت والای اخلاقی که دارای اثری به سزا در حوزه‌ی اخلاق فردی و اجتماعی است از اصولی است که در بهبود و رشد روابط انسان با دیگران، تأثیر شگرفی داشته و رعایت آن برای آرامش عمومی جامعه ضروری است به همین مناسبت در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی به بررسی روابط بین زن و مرد و فرزندان با تأکید بر آثار درونی و بیرونی مدارا با رویکردی بر آموزه‌های دینی پرداخته شده است. مدارا دارای نتایج درونی و بیرونی است، مدارا به‌عنوان فضیلت اخلاقی از جمله صفاتی است که آدمی را در دنیا و آخرت به مراتب بلند و درجات ارجمند می‌رساند و نقش بسیار سازنده‌ای در زندگی خانوادگی و اجتماعی انسان دارد زندگی پر از ناگواری‌هایی است که انسان با آن روبرو می‌شود اگر انسان بنا را بر مدارا کردن با مردم نگذارد و در مشکلات و ناهمواری‌ها، با دیگران به‌تندی و خشونت رفتار کند، هم به اعتبار اجتماعی و هم به سلامت دینی و اخلاقی خود لطمه خواهد زد.

واژگان کلیدی: آثار، درونی، بیرونی، مدارا، زن و مرد، فرزندان، آموزه‌های دینی.

۱- مقدمه

پذیرش اختلاف در بینش و منش انسان‌ها امری ضروری در نظام هستی است که از طبیعت اندیشه و عقل بشری و اختلافات موجود در نظام آفرینش نشأت می‌گیرد و همیشه این اصل را به انسان توصیه می‌کند که در صدد تحمیل زور و اعمال فشار برای محو این اختلافات بر نیاید و از این دسته از ویژگی‌های آفرینش برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند یعنی به رسمیت شناختن این اختلافات با مخالفان بر اساس سطح فکر آن‌ها برخورد کرده و با هر کدام به میزان فهمشان برخورد نماید. اهمیت مدارا در این است که در زندگی جامعه و خانوادگی اگر رفق و مدارا نباشد، تندی و خشونت سراسر زندگی را فراخواهد گرفت؛ چراکه در طول زندگی مشترک، موارد فراوانی یافت می‌شود که رفتار و گفتار زن و مرد و فرزندان، مطابق میل انسان نیست و در صورت عدم مدارای با زن و مرد و فرزندان، هر یک از این موارد می‌تواند زمینه‌ای برای بروز خشونت و درگیری میان افراد خانواده باشد، درحالی‌که با رفق و مدارا می‌توان بسیاری از اختلافات را حل کرده، آرامش و صمیمیت را در محیط خانواده حاکم نمود در زندگی اجتماعی و برخورد و تعامل با مردم این‌گونه است.

هدف پاسخگویی به این سؤال است که آثار درونی و بیرونی مدارا در روابط بین زن و مرد و فرزندان از منظر آیات و روایات چیست؟ آثار درونی مدارا در روابط زن و مرد و فرزندان عبارتند از: حسن ظن نسبت به فرزند، مسئولیت دادن به فرزندان و تکریم آن‌ها، مشورت کردن، توجه به کسب هویت فرزند نوجوان، صداقت، عفو و بخشش نسبت به فرزندان. آثار بیرونی مدارا در روابط زن و مرد و فرزندان شامل موارد ذیل می‌شود: تربیت صحیح و دین‌دارانه، برخورد مثبت، برقراری ارتباط کلامی و عاطفی، توجه به نیازهای همه‌جانبه، ایجاد امنیت روانی.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

در این زمینه مقالاتی نوشته شده که ما به بررسی برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

بر اساس پژوهش کریمی و یوسفی (۱۳۹۵) آگاهی از آثار خانوادگی و اجتماعی رفق و مدارا، خانواده‌ها را تشویق می‌کند تا در ناملايمات واکنش منطقی نشان داده، از تندروری بپرهیزند. در این صورت، افراد و اعضای خانواده با انعطاف خردمندانه، زندگی خانوادگی را سرشار از آرامش، همدلی و همراهی می‌نمایند و از طرفی آرامش و کمال را برای دیگران نیز به ارمغان می‌آورند. اصول رفق و مدارا در مقام تعامل افراد با یکدیگر در احادیث فریقین و نیز آثار علمای امامیه و اهل سنت از همان سده‌های نخستین اسلام مورد اهتمام بوده است. پژوهش حاضر برجسته‌ترین آثار آنها را در روابط خانوادگی و اجتماعی تبیین می‌نماید. دستاوردهای مقاله نشان می‌دهد که سلامت جسمی و روانی، آرامش، برکت، بهره‌مندی مشروع، رزق وافر و تربیت سالم فرزندان، از جمله آثار خانوادگی و کینه‌زدایی، امنیت، محبوبیت، پایداری روابط اجتماعی و تألیف قلوب، از جمله آثار اجتماعی رفق و مدارا هستند. این مقاله فقط روابط خانوادگی و اجتماعی مدارا را سنجیده است و اختصاص به آثار درونی و بیرونی مدارا در روابط بین زن و مرد و فرزندان ندارد ولی پژوهش حاضر به بررسی آثار درونی و بیرونی مدارا در روابط بین زن و مرد و فرزندان از منظر آیات و روایات نیز می‌پردازد.

در چکیده مقاله گنججور، ملکوتی خواه و موسویان نژاد (۱۳۹۰) بیان شده که نوشتار حاضر با توجه به نیاز علمی جامعه‌ی امروزی به الگوی رفتار ارتباطی با همسر و فرزندان، درصدد استنباط و ارائه‌ی معیارهای سازگاری و اخلاق مدارا در زندگی زناشویی برآمده است. این مقاله به منابع معتبر به تبیین مؤلفه‌های الگوی مدارا با همسر و فرزندان در پرتو آموزهای مترقی اسلام می‌پردازد و نیز همچون مقاله پیشین فقط به ذکر آثار مدارا پرداخته ولی آثار درونی و بیرونی مدارا در روابط بین زن و مرد و فرزندان از منظر آیات و روایات را مورد بررسی قرار نداده است.

نوآوری این مقاله در این است که آثار درونی و بیرونی مدارا در روابط بین زن و مرد و فرزندان از منظر آیات و روایات مورد بررسی قرار داده و مطلب نو و جدید و بکر می باشد در حالی که در مقالات و کتب یاد شده یا به یک جنبه مدارا یا به یک فرد و یا به یک گروه و پرداخته است اما این مقاله بر این تلاش بوده تمام آثار درونی و بیرونی مدارا را در روابط بین زن و مرد و فرزندان از منظر آیات و روایات مورد بررسی و تبیین قرار دهد.

۳- روش‌شناسی

این پژوهش، از نوع تحقیق کاربردی و به صورت کتابخانه‌ای و فیش‌برداری مطالب جمع‌آوری شده است و از روش نقلی - آمیزه‌ای و اسناد نوشتاری و سامانه‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای علمی و روش داده‌پردازی توصیفی - تحلیلی بهره برده است.

۳-۱- مفهوم‌شناسی

۳-۱-۱- مدارا در لغت

تعریف مدارا که در نظم و نثر فارسی شایع است در اصل «مداراة» است به زیادت تالی مصدری و در لغت به معنای زیر آمده است: «رعایت کردن، صلح و آشتی نمودن، ملایمت، آرامی، آهستگی، نرمی، رفق، مماشات تسامح، بردباری، تحمل، خضوع و فروتنی مدارا کردن، مهربانی کردن، نرمی نمودن، شفقت، ملایمت نشان دادن، تحمل کردن، بردباری نمودن و سازگاری نشان دادن.» (دهخدا، ۱۳۷۳).

مدارا در زبان عربی از «دور» مشتق شده که در مشتقاتش در معانی مختلف مانند حرکت، دایره، هاله، ماه، خانه، جلد مشک آب، معالجه، اداره و تدبیر امور به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۰۸).

واژه‌شناسان رفق و مدارا را چنین معنا کرده‌اند: رفق به معنای لطف در برابر زور است (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴).

۳-۱-۲- مدارا در اصطلاح

مدارای اسلامی غیر از تسامح و اباحه‌گری و بی‌تفاوتی است که امروزه در گفت‌وگوهای بعضی از روشنفکران مطرح می‌شود. در پاره‌ای از موارد، مدارا به معنای حلم و بردباری و تغافل است مدارا با افراد تندخو و بداخلاق یا تقیه در مقابل مخالفان و افراد زیان رسان، به این معناست (فلسفی، ۱۳۷۰).

۳-۱-۳- مدارای اجتماعی

در تعریف مدارای اجتماعی آمده:

امروزه بدون داشتن حداقلی از مدارای اجتماعی و تحمل عقاید متفاوت و مخالف، زندگی کردن در وضعیت عادی غیرممکن خواهد شد. پس باید توجه داشت مادامی که افراد جامعه‌ای با یکدیگر متفاوت‌اند و اغلب دارای اعتقادات راسخی هستند، با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند و اگر قرار باشد بیش‌تر آن‌ها اهل مدارا نباشند، صلح اجتماعی غیرممکن خواهد شد بنابراین، در جامعه‌ای پیچیده و در حال تغییر، مدارا کردن گریزناپذیر خواهد بود و یلیامز بر این نظر است که اگر گروه‌های مختلف، عقاید متعارضی در زمینه اخلاقی یا سیاسی یا مذهبی داشته باشند و هیچ بدیل و جایگزینی برای زندگی در کنار هم نیابند، مدارا و تساهل امری ضروری خواهد بود (ادیبی سده، رستگاری و بهشتی، ۱۳۹۲).

در دیگر تعریف آمده:

منظور از مدارای اجتماعی، مجموعه وظایف، آداب و سنن، حقوق و پایبندی‌هایی است که روابط کلی عموم مردم و جماعت صالح

به‌عنوان اعضای جامعه بزرگ انسانی، همچنین شکل ارتباط و رفتار انسانی درون‌گروهی در میان اعضای جماعت صالح را تنظیم می‌کند (همان).

۳-۱-۴- مدارای اجتماعی در قرآن

در این قسمت به مدارای اجتماعی در قرآن پرداخته می‌شود: در قرآن کریم واژه مدارا ذکر نشده است، اما دو دسته از آیات، بر این معنا دلالت دارند (همان)؛

الف دسته نخست آیاتی است که واژه‌های «لین، عفو، صفح، غفران، خلق عظیم، رحمت» در آنها آمده است که خداوند در آیه ۱۵۹ آل‌عمران می‌فرماید:

«فِيمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِنَّ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل‌عمران: ۱۵۹)؛

به سبب رحمت خداست که تو با آنها این‌چنین خوش‌خوی و مهربان هستی اگر تندخو و سخت‌دل می‌بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند پس بر آنها ببخشای و برایشان آمرزش بخواه و در کارها با ایشان مشورت کن و چون قصد کاری کنی بر خدای توکل کن، که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد.

در آیه شریفه ۱۹۹ سوره اعراف می‌خوانیم:

«خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»؛

(به‌هرحال) با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی‌ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان (و با آنها ستیزه مکن)!

چند مطلب در این آیه شریفه قابل توجه است:

مخاطب این آیه شریفه، شخص پیامبر اسلام است یعنی مدارا و گذشت و پذیرش خطاهای دیگران، مسئله‌ای است که در درجه اول پیشوایان جامعه باید به آن عمل کنند و بر آن مداومت داشته باشند تا مردم به تبعیت از آنها عامل به این آیات باشند.

ب در تفسیر کلمه «عفو» چهار معنی ذکر شده است:

۱- عرب به «چیز اضافی» عفو می‌گوید کلمه عفو در آیه ۲۱۹ سوره بقره به همین معنی است؛ هنگامی که از پیامبر ۹ پرسیده شد: چه چیز انفاق کنیم؟

خداوند به پیامبر فرمودند: «قُلِ الْعَفْوَ؛ بگو: از مازاد نیازمندی خود (انفاق کنید).»

معمولاً خانواده‌ها چیزهای اضافی غیر مورد نیاز دارند حال که این‌ها مورد نیاز تو نیست، از آنها دل بکن و در راه خدا انفاق کن تا نیازمندان از آن بهره گیرند.

بدا به حال کسانی که نه خود از این اموال استفاده می‌کنند و نه آن را انفاق می‌نمایند!

۲- معنی دیگر عفو «حدّ وسط» است «خُذِ الْعَفْوَ» یعنی در هر کاری حدّ وسط آن را بگیر و از افراط و تفریط اجتناب کن که جاهل یا دچار افراط می‌شود و یا سر از تفریط درمی‌آورد.

۳- معنی دیگر عفو «پذیرش عذر» دیگران است اگر کسی کار خطا و اشتباهی کرد و از شما پوزش طلبید، عذرش را بپذیرید و او را مورد عفو و بخشش قرار دهید؛ مخصوصاً اگر همسر یا یکی از فرزندان شما باشد.

۴- «سخت‌گیری نکردن» چهارمین تفسیری است که برای عفو گفته‌اند.

بعید نیست هر چهار معنی مورد نظر خداوند در آیه شریفه فوق باشد یعنی ای پیامبر ما! اموال اضافه بر نیازت را در راه خدا انفاق کن و از افراط و تفریط خودداری ورز و عذر خطاکاران را بپذیر و نسبت به دیگران سخت‌گیر نباش!

۵- در برخورد با جاهلان و به هنگامی که با سخنان زشت و ناپسند به استقبال آمدند و به تو اهانت کردند، با آنها گلاویز نشو، بلکه

چنان از کنار این برخورد ناپسند بگذرد که گویا سخنی با تو نگفته‌اند با آن‌ها مانند آن شاعر عرب برخورد کن که گفت:

وَلَقَدْ مَرَرْتُ عَلَى اللَّيْمِ يَسْتَبِي *** فَمَضَيْتُ نَمَّةً قُلْتُ لَا يَعْزُبُنِي

به انسان پستی برخورد کردم که به من ناسزا می‌گفت کریمانه گذر کردم و با خود گفتم: منظور من نیستم!

۶- از امام صادق (ع) پرسیدند: جامع‌ترین آیات اخلاقی قرآن مجید کدام آیه است؟

حضرت فرمودند: آیه ۱۹۹ سوره اعراف، چراکه مشتمل بر عفت و حکمت و شجاعت است و این امور، اصول سه‌گانه اخلاق محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰).

ب دسته دوم آیاتی هستند که مفهوم آن‌ها دلالت بر مدارا و تحمل مخالفین دارد؛ مانند:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (النحل: ۱۲۵)؛

مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن زیرا پروردگار تو به کسانی که از راه او منحرف شده‌اند آگاه‌تر است و هدایت‌یافتگان را بهتر می‌شناسد.

آیه دیگری که پیرامون مدارا، سخن می‌گوید، آیه ۷۲ سوره فرقان است، در این آیه شریفه می‌خوانیم: «وَ إِذَا مَرُّوا بِاللُّغُوبِ مَرُّوا كِرَامًا».

عباد الرحمن هنگامی که با سخنان لغو، انسان‌های لغو، مجالس لغو، فیلم‌های لغو، نشریات لغو و خلاصه هر آنچه لغو است، مواجه می‌شوند، بزرگواران از کنار آن عبور می‌کنند و درگیر آن نمی‌شوند.

خلاصه این‌که یکی از صفات و ویژگی‌های عباد الرحمن تحمل و حوصله و صبر، در برابر انسان‌های جاهل و نادان است؛ یعنی عصبانی نمی‌شوند و با آن‌ها گلاویز و درگیر نمی‌گردند، بلکه تا حد امکان با مدارا و نرمی با آن‌ها رفتار می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰).

دیگر آیه‌ای که به مدارای پیامبر اشاره می‌کند آیه ذیل است:

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ» (التوبة: ۱۲۸)؛

در حقیقت پیامبری از میان شما برای هدایت شما آمد برای او بسیار سخت و گران است که شما گرفتار فقر و پریشانی شوید و به نجات و هدایت شما بسیار حریص و مشتاق و به مؤمنین رؤف و مهربان است.

این قبیل از آیات بیانگر عشق و دلسوزی پیامبر اکرم (ص) نسبت به هدایت و مدارا و تبلیغ دین اسلام بود. آن حضرت از گمراهی و جهالت مردم بسیار رنج می‌بردند و شب و روز مجاهدت می‌کردند تا آن‌ها را از ورطه سقوط نجات بدهند.

در تفسیر المیزان درباره آیه فوق آورده:

و معنای آیه این است: هان ای مردم! پیغمبری از جنس خود شما مردم بیامده که از اوصافش یکی این است که از خسارت دیدن شما و از نابود شدنتان ناراحت می‌شود و دیگر اینکه او در خیرخواهی و نجات شما چه مؤمن و چه غیر مؤمن حریص است و اینکه او نسبت به خصوص مؤمنین رؤف و رحیم است و با اینکه اوصافش چنین است آیا باز هم جا دارد که از او سرپیچی کنید؟ نه بلکه سزاوار است که از او اطاعت کنید، چون او رسولی است که قیام نکرده مگر با امر خدا، اطاعت کردن از او اطاعت خدا است، آری، جا دارد به او نزدیک شوید و با او انس بگیرید، چون او هم مثل خود شما بشر است، پس بهر چه دعوت کرد بپذیرید و هر خیرخواهی که نمود بکار ببندید (طباطبائی، ۱۳۷۳).

۴- یافته‌ها

۴-۱- آثار مدارا در روابط زن و مرد و فرزندان

«خداوند گرامی داشت نوع بشر را که اولاد آدم ابوالبشرند و موصّر فرمود آن‌ها را به صورت زیبا و قامت رعنا و زبان گویا و گوش شنوا و عقل و علم و حکمت و سلطنت بر حیوانات و نباتات و جمادات و سایر کرامات که از حدّ شمار بیرون است و مهیا فرمود برای ایشان وسایل گردش و تفریح و تجارت و سیاحت را در سفر دریا و صحرا از کشتی و مراکب طبیعی و مصنوعی و نظم و انجام وظایف متقابل. روزی داد به آن‌ها از انواع اطعمه و اشربه حلال طیب لذیذ نافع و برتری داد ایشان را بر سایر مخلوقات که بسیارند نه کم برتری مخصوصی که آن استعداد و قابلیت ترقی است به مقامی که دست احدی از مخلوقات به آن نرسد» (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸).

پس از عوامل درون دینی ایجاد و تقویت اقتدار در مسئولیت دادن به فرزندان و تکریم آن‌ها توسط زن و مرد، انجام وظایف و کرامت انسانی است که می‌تواند استعدادهای آن را شکوفا کند.

ماجرای به آب افکندن حضرت موسی ۸، توسط مادرش صفورا، از نقطه نظر تربیتی، دربردارنده پیام‌های متعددی است از جمله: تقویت حس مسئولیت‌پذیری فرزند، ایجاد روحیه اعتماد به نفس در فرزند، مهرورزی نسبت به برادر، شجاعت، هوشمندی، درایت، انجام وظایف، کرامت انسانی و اقتدار در انجام مسئولیت (بهشتی، ۱۳۹۶).

راه و روش تربیت کردن جهت مسئولیت دادن به فرزندان و مسئولیت‌پذیری توسط زن و مرد شامل موارد ذیل می‌شود:

۱. برای تربیت فرزندان مسئولیت‌پذیر از کودکی شروع کنید؛

۲. برای تربیت فرزندان مسئولیت‌پذیر اجازه دهید آن‌ها به شما کمک کنند؛

۳. تربیت فرزندان مسئولیت‌پذیر با مشارکت آن‌ها در کارخانه؛

۴. تربیت فرزندان مسئولیت‌پذیر با راهنمایی‌های مؤثر؛

۵. ستایش فرزندان برای تربیت کودک مسئولیت‌پذیر؛

۶. اجتناب از پاداش به خصوص پاداش برای کاری ساده در تربیت فرزندان مسئولیت‌پذیر؛

۷. ارائه راه‌کارها برای تربیت کودکانی مسئولیت‌پذیر؛

۸. تدابیر آموزشی در تربیت فرزندان مسئولیت‌پذیر (برخی از محققان، بی تا).

بنابراین مسئولیت دادن به فرزندان و تکریم آن‌ها، از آثار مدارا در روابط زن و مرد و فرزندان از بعد درونی به شمار می‌آید و از نقطه نظر تربیتی، دربردارنده پیام‌های متعددی است از جمله: تقویت حس مسئولیت‌پذیری فرزند، ایجاد روحیه اعتماد به نفس در فرزند، مهرورزی نسبت به برادر، شجاعت، هوشمندی، درایت، انجام وظایف، کرامت انسانی و اقتدار در انجام مسئولیت.

۴-۱-۳- مشورت کردن

از دیگر آثار مدارا در روابط زن و مرد و فرزندان از مشورت کردن است با توجه به اهمیت مشورت فرزندان با زن و مرد و دیگران خوب است که مربی در خصوص برخی امور درسی یا مسائل و طرح‌ها مشورت کند؛ هم با شاگردان خود و هم با سایر مربیان باتجربه. اگر زن و مرد طرحی دارد، قبلاً با اساتید مشورت کند و بعد به نسل نو منتقل نماید. این کار، سبب می‌شود که اگر طرح مشکلی دارد رفع بشود یا اگر برای رسیدن به کمال مطلوبش نیازمند نقد است، نقادی و پس از تکمیل و اطمینان توکل بر خدا کرده و عرضه شود (قرائتی، ۱۳۹۶).

در قرآن به پیامبر بر مشورت کردن و خود تصمیم‌گیری و توکل بر خدا امر شده است: «... وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ...» (آل عمران: ۱۵۷) ... و در کارها با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن...».

مشاوره در وظائف شخصی معلوم و در احکام الهی مشخص نباید صورت بگیرد، بلکه در امور اجتماعی که روی تشخیص مردم و صلاح دید افراد می‌باشد، واقع خواهد شد. البته طرف مشاوره به حکم عقل و وجدان می‌باید آدم صحیح‌العقل و روشنفکر و مورد

اعتماد بوده و از انحراف فکری و از فساد عقیده و از اغراض شخصی محفوظ باشد و اگر نه شرکت دادن چنین شخصی در مقام مشاوره بزرگ‌ترین ظلم و جنایت به جامعه خواهد بود (مصطفوی، ۱۳۸۰).

پس توکل کردن پس از انجام دادن وظائف شخصی بوده و مخصوصاً در امور اجتماعی پس از حفظ وحدت و برنامه مشاورت است که یکی از آن‌ها مشورت کردن و خود تصمیم‌گیری فرزندان با زن و مرد است.

تا آنجایی که مربوط می‌شود به وظائف شخصی معلوم فرزندان، می‌باید در انجام دادن و دقت در آن‌ها کوشا بود و چون از مرحله توانایی و اختیار فکری و عملی انسان خارج گشت جای توکل است که باقی جریان امور را به خداوند متعال واگذار کرده و او را وکیل گرفت (همان).

۴-۱-۱-۴- توجه به کسب هویت فرزند نوجوان

توجه به کسب هویت فرزند نوجوان، از آثار مدارا در روابط زن و مرد و فرزندان از بعد درونی به شمار می‌آید که هر یک از اعضای خانواده به تناسب امکان و توان خود، در تعیین گزینش هدف‌ها و هویت و تلاش برای دستیابی به آن‌ها شرکت دارند. اعضای خانواده مقتدر با همدیگر همکاری صمیمانه و جدی دارند و به کسب هویت فرزند نوجوانان توجه دارند (بافکار، ۱۳۹۱).

زن و مرد هنگامی که در گزینش هدف‌ها و کسب هویت فرزند همکاری داشته باشند و هدف‌ها و هویت‌های نوجوان و فرزند را با توجه به مصالح خانواده تعیین کنند، با اشتیاق و قدرت بیشتری در تحقق آن‌ها می‌کوشند (همان، ص ۹۳).

قرآن در زمینه هویت منفی و شیطانی برخی انسان‌ها می‌فرماید: «وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ: (اعراف: ۱۷۵) و بر آن‌ها بخوان سرگذشت آن‌کس را که آیات خود را به او دادیم ولی (سرانجام) خود را از آن تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد و از گمراهان شد!»

نزول آیه درباره عابدی از بنی‌اسرائیل بنام بلعم باعورا است که در زمان موسی ۸ می‌زیسته و از گروندگان بوی بوده و در اثر مخالفت و مبارزه با موسی کلیم ۸ از حریم خداپرستی خارج و از رحمت پروردگار رانده شد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴).

آیه از نظر تعلیم و تربیت جامعه مسلمانان خطاب به رسول گرامی ۹ نموده که خبر اسف‌آور عابدی از بنی‌اسرائیل را برای مردم بخوان و پایان جریان لغزش و انحراف او را یادآوری بنما که سبب عبرت آنان گردد با اینکه بوی آیات و کرامت وجودی موهبت نمودیم و بدان وسیله طریقه معرفت پروردگار را می‌پیمود فی‌الجمله عارف به صفات ساحت کبریائی بود و از حقیقت چیزی بر او کشف شده و روان او درخشان و در صف اولیاء قرار گرفته بود ناگهان در اثر لغزش و مبارزه با موسی کلیم ۸ از طریقه عبودیت خارج و حقایق و معارف از وی گرفته شد و روان او تیره و تاریک گشته و عاری از هرگونه فضیلت گردیده و از رحمت پروردگار برای همیشه رانده و طرد شد (بلاغی، ۱۳۸۶).

فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ: بیان نتیجه است که بلعم در اثر نیرنگ شیطان از طریقه عبودیت خارج گشت سپس او را رها ننموده پیوسته او را دنبال و تعقیب کرد و باغواء او همت گمارد و هر لحظه بر وی زیاده دست‌یافت تا اینکه او را در صف گمراهان درآورد و از رحمت پروردگار او را بی‌بهره نمود (حسینی همدانی، ۱۴۰۴).

۴-۱-۱-۵- صداقت

از دیگر آثار مدارا در روابط زن و مرد و فرزندان از بعد درونی، صداقت است. صداقت یکی از منابع سرشار وجود انسان‌ها بوده و باعث هدایت رفتار در جهات مختلف می‌شود. صداقت هم‌چون محبت، دوستی، همدلی، گذشت و ایثار در ذهن تصوره‌های مثبت ایجاد کرده و کذاب بودن چون نفرت، خشم و ترس موجب تصورات منفی و احساس ناامیدی می‌شود.

صداقت فرزندان انسان همانند جنبه‌های شخصیتی نیازمند تربیت و هدایت است. اگر زن و مرد در محیط خانه به این عواطف توجه نکنند و الگوی مناسب در دسترس اعضای خانواده قرار نگیرد، زمینه‌های کج‌روی و انحراف و دروغ‌گویی آنان فراهم می‌شود.

سازگاری کودک در هر مرحله از رشد با تنش‌های عاطفی همراه است. چون در سازگاری، کودک باید عادت‌های گذشته خودش را تغییر داده و بازنگری نماید. او باید یاد بگیرد که در مواجهه با انسان‌ها و پدیده‌های اجتماعی و نسبت به گذشته صداقت و تغییراتی در رفتار، تفکر و احساسات و عواطف خودش ایجاد نماید.

در این میان عواملی همچون رفتار مادر، روابط زن و مرد در جریان تربیت و احساسات و عواطف نقش به‌سزایی در صداقت فرزندان دارد. اگر عملکرد و رفتار مادر با کودک توأم با تنش‌های درونی و خصومت باشد بر صداقت فرزندان و حالات عاطفی، روانی کودک تأثیر می‌گذارد و چیزی جز پرخاشگری و سرکشی و عدم صداقت عاید کودک نمی‌شود.

همچنین نظارت شدید و محدود نمودن نیز موجب پدید آمدن رفتارهای گوشه‌گیری و حقارت می‌شود. صداقت، صمیمیت، نوع‌دوستی، کمک، همیاری و رقابت و حسادت مادر نیز بر رفتار فرزندان اثر به‌سزایی دارد (سیف، ۱۳۸۴).

صدق و راستی در گفتار و رفتار از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار است چنانچه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: **وَقُلْ رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا**؛ (إسراء: ۸۰) و بگو: «پروردگارا! مرا (در هر کار)، با صداقت وارد کن و با صداقت خارج ساز! و از سوی خود، حجتی یاری کننده برایم قرار ده!»

بنابراین صدق و راستی نه تنها گفتار، بلکه اعمال و رفتار آثار مدارا در روابط زن و مرد و فرزندان از بعد درونی را نیز در برمی‌گیرد و سبب گام برداشتن خانواده و جامعه در مسیر صحیح می‌گردد.

وَقُلْ رَبِّ اَدْخِلْنِيْ و بگو پروردگارا مرا در این مقام داخل نما و آنچه در تفسیر این آیه وارد شده مانند دخول مکه، یا دخول هر مدخلی، یا دخول هر مدخلی که ترسناک است از جهت گستردگی و سعه‌ی وجوه قرآن و جواز تعمیم آیه است و این منافاتی با این مطلب ندارد که مقصود در ذیل وعده‌ی بعث و برانگیختن به مقام محمود سؤال و درخواست دخول در آن مقام باشد (زمخشری، ۱۴۲۳).

چون خطاب پیامبر(ص) شامل امتش نیز می‌شود از باب شمول خطاب کل نسبت به اجزا یا شمول خطاب متبوع نسبت به امت درخواست مقامات صداقت سالکین الی‌الله است، یا درخواست دخول به مقام محمود جزئی است که آن آخر مقامات سالکین است برحسب مراتبی که دارند (سلطان علی‌شاه، ۱۳۴۴).

یا صدق به معنای صادق است یعنی داخل شدن صادق که تعبیر به صدق از باب مبالغه است و اضافه نیز جهت مبالغه است، بنابراین معنای آیه چنین می‌شود: ادخال شخصی که در او جز صدق باقی نمی‌ماند (زحیلی، ۱۴۲۲ هـ؛ سلطان علی‌شاه، بی‌نا، ۱۳۴۴).

۴-۱-۱-۶- عفو و بخشش نسبت به فرزندان

یکی از آثار مدارا در روابط زن و مرد و فرزندان از بعد درونی، عفو و بخشش نسبت به فرزندان است.

سفارش دیگری نسبت به فرزندان از معصومین رسیده که رعایتش از نظر اخلاقی بسیار مهم است و آن عفو و بخشش نسبت به فرزندان است: امام علی(ع) می‌فرماید: **«الْعَفْوُ تَأْجُ الْمَكَارِمِ»** (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶)؛ عفو و گذشت، زینت فضایل اخلاقی است.

پس وقتی والدین به این فضیلت نایل آیند و بر عطوفت، مهربانی و بخشایشگر بودن اتفاق نظر داشته باشند، می‌توانند گامی بزرگ در زمینه‌سازی تربیت مطلوب دینی فرزندان خویش بردارند. سختگیری نکردن به رفتارهای فرزندان و عفو لغزش‌های آنان، از جمله عواملی است که در پرورش کرامت و شخصیت عاطفی مطلوب فرزندان مؤثر است (فقیهی، ۱۳۹۲).

پیروی از چنین روشی در زندگی نه تنها عامل مؤثر در تقویت و پرورش بُعد درونی و عاطفی افراد به شمار می‌آید (همان)، بلکه اهمیت و کارایی این رویکرد تا آنجاست که خداوند به روشنی رسولش را به اتخاذ چنین شیوه‌ای، دستور می‌دهد:

«خُذِ الْعَفْوَ وَاْمُرْ بِالْعُرْفِ وَاَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِيْنَ: (أعراف: ۱۹۹) (به‌هرحال) با آن‌ها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی‌ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن).»

خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ: فراگیر یا محمد از زکات مال ایشان آنچه افزون آید از نفقه یک ساله و بفرما ایشان را به نیکوی کردن با درویشان به انواع مبرت و أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ: و بگرد از نادانان و از مکافات ایشان؛ و گفته‌اند خُذِ الْعَفْوَ، ای: ما سهل من صدقاتهم: آنچه فرا تو دهند فراستان، و أْمُرْ بِالْعُرْفِ: و بفرمای نیکوی، یعنی از توانگران فراستان و فرادرویشان ده (بروجردی، ۱۳۶۶).

و أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ: و بگرد از مکافات نادانان گر ترا سخن ناسزا گویند که محمد داد ننگه نمی‌دارد در قسمت؛ و گفته‌اند معناه: خذ معهم بالعفو و الفضل، نیکو خوبی پیشه گیر، و أْمُرْ بِالْعُرْفِ: و بفرمای به نیکوخواهی و نیکوکاری، و أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ: و بگرد از نادانان و سیرت ایشان (سورآبادی، ۱۳۸۰).

بی‌شک اتخاذ چنین روشی در سبک زندگی از جانب والدین، زمینه را برای تقویت، تربیت و شکوفاسازی عاطفی فرزندان فراهم می‌کند و تعاملات آنان را به نحو مطلوب سامان می‌دهد.

۴-۱-۲- بیرونی

در این قسمت به آثار مدارا در روابط زن و مرد و فرزندان از بعد بیرونی اشاره می‌شود:

۴-۱-۲- تربیت صحیح و دین‌دارانه

تربیت صحیح و دین‌دارانه، از آثار مدارا در روابط زن و مرد و فرزندان از بعد بیرونی به‌شمار می‌آید.

امام صادق(ع) فرمود: «دَعِ اِبْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَ الزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ لَا خَيْرَ فِيهِ» (کلینی، ۱۳۶۳) تا هفت سال کودکت را برای بازی آزاد بگذار و هفت سال بعد با تمام وجود از او مواظبت کن، اگر به قبول دین‌داری و تربیت تن داد، تن داده، ورنه خیری در او نیست.

برنامه‌ها و سریال‌ها و تبلیغات فاسد شبکه‌های اجتماعی این نقش‌ها را دگرگون معرفی می‌کنند و برای مثال یک دختر یا پسر جوان در خانواده‌ی غربی را آزاد از تعهدات به پدر و مادر و نهاد خانواده و به دور از زیبایی‌های تربیت صحیح و دین‌دارانه نشان می‌دهند.

چنین تصویری باعث تعارض نقشی در فرزند می‌شود و درحالی‌که فرهنگ و واقعیات زندگی تکالیف دیگری برای او تعریف کرده‌اند و البته متناسب با این تکالیف، حقوقی نیز برای او در نظر گرفته‌اند که فرزند یک خانواده‌ی غربی از آن‌ها محروم است.

فرزند هر چه قدر از علائق مادی خود بکاهد و دل‌بستگی خود را نسبت به ماده کم نماید به همان اندازه درک معنویات و احساس امور معنوی و تربیت صحیح و دین‌دارانه در وجود او بیشتر می‌شود (تعدادی از نویسندگان، ۱۳۹۸).

در قرآن آمده: «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ: (شعراء: ۸۹) مگر کسی که دلی سالم [از رذایل و خبایث] به پیشگاه خدا بیاورد.»

آنکه با دل درست از گناه و تباهی باشد و چون تباهی دل موجب تباهی دیگر پاره‌های تن می‌شود و هر کاری با قصد از دل انجام می‌شود پس سلامتی دل کنایه است از سلامتی از کارهای زشت و چون دل اصرار بر گناه ندارد پاره‌های تن با تربیت صحیح و دین‌دارانه، هم سلامت و هم دور از گناه خواهند بود (طوسی، بی‌تا).

یکی از اصحاب امام جعفر صادق(ع) آن حضرت در مورد آیه «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» می‌پرسد. حضرت در جواب می‌فرماید: «السَّلِيمُ الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ وَ قَالَ وَ كُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شَكٌّ أَوْ شِرْكٌ فَهُوَ سَاقِطٌ وَ إِنَّمَا أَرَادُوا الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا لَتَفْرَغَ قُلُوبُهُمْ

لِلْآخِرَةِ: (کلینی، ۱۳۶۳) سلیم کسی است که پروردگارش را در حالی ملاقات می‌کند که کسی جز او در وجودش و در قلبش نیست؛ و (سپس) حضرت فرمود: و هر قلبی که در آن شک و یا شرکی باشد وارونه است و این انسان‌ها به این خاطر در دنیا زهد را برگزیده‌اند تا قلب‌هایشان برای آخرت فارغ و آسوده و خالی باشد.»

این نکته نشان می‌دهد که زن و مرد در جامعه خود باید در کنار توجه به رشد معنوی و تعالی، تربیت صحیح و دین‌دارانه فرزندان، سعی کنند که جاذبه‌های مادی را فراهم کنند، تفریح‌های سالم به‌اندازه کافی ایجاد نماییم و زمینه‌های ارضای نیازهای مادی را فراهم

آوردند (ساجدی، ۱۳۸۹) که کودک جذب مادیات و بازی‌های نامناسب در شبکه‌های مجازی نشود و شبکه اجتماعی، چالشی به نام افسردگی و خلأ معنویت دارند که باید به آن‌ها توجه شود و این جز به وسیله تربیت صحیح و دین‌دارانه فرزندان، شدنی نیست.

۴-۱-۲-۲- برخورد مثبت

از دیگر آثار مدارا در روابط زن و مرد و فرزندان از بعد بیرونی، برخورد مثبت است برخورد منفی و منفی فکر کردن یکی از بزرگ‌ترین عوامل ایجاد افکار منفی در زندگی ما می‌باشند. منفی فکر کردن باعث می‌شود که ما همواره نسبت به اموری که اتفاق می‌افتد بدبین بوده و بدترین حالت‌ها را در نظر بگیریم. در نتیجه ما در زندگی شخصی خودمان هم با توجه به اینکه همواره کمترین و بدترین چیزها را در نظر می‌گیریم طبق قانون جذب که بر کل کائنات حکم فرما می‌باشد همواره کمترین و بدترین حالات را نصیب خود می‌نمائیم. تغییر افکار منفی به مثبت و تبدیل شدن به یک فرد مثبت اندیش ممکن است زمان زیادی را از فرد بگیرد (بنائیان، بی تا).

زن و مرد می‌توانند یادگیری راهکارهای تبدیل فکر منفی به مثبت به کودک را به‌عنوان کمک بزرگی بیاموزاند که بتواند بر ترس‌ها و نگرانی‌هایش غلبه و آن‌ها را کنترل نماید یکی دیگر از روش‌های اثبات شده و پر استفاده برای موفق شدن در برابر منفی فکر کردن، استفاده از جملات تأکیدی مثبت است. این روش بدین صورت است که زن و مرد یک جمله، در رابطه با موضوع مورد نظر فرزند انتخاب می‌کنند، به شکلی که مغز عاطفی او را تحریک کند و در او تأثیر بگذارد (همان). این ارتباط عاطفی درباره فرزندان اولویت بیشتری دارد. ابراز عواطف مثبت والدین با دو شیوه می‌تواند بر تربیت عاطفی فرزندان اثر گذارد:

نخست، اینکه والدین می‌توانند با ابراز عواطف مثبت، کاری کنند که در فرزند موجب احساس مطبوع شود و فرزند برای خوشایندی آنان بکوشد؛

دوم، اینکه وجود والدین هنگام برانگیختگی عواطف مثبت نقشی مهم در پیامد علاقه فرزند به والدین دارد؛ در واقع، به شکل‌گیری نگرش مثبت به سخنان والدین می‌انجامد و زمینه را برای همکاری و پذیرش پیشنهادها آن‌ها در ابعاد مختلف فراهم می‌سازد؛ بنابراین، آنچه ما به‌مثابه مبنای ارتباط مؤثر والدین و فرزندان می‌طلبیم، می‌توانیم بر اساس ابراز عواطف مثبت از سوی والدین به فرزندان پیگیری کنیم، همان‌گونه که نقطه مقابل آن، یعنی ابراز عواطف منفی، می‌تواند به سردی روابط والدین با فرزندان و سست شدن ارتباط مؤثر و مطلوب آنان بینجامد و به تدریج در کج‌روی فرزندان اثر گذارد (احمدی، ۱۳۸۵).

رسول گرامی اسلام (ص) ابراز عواطف و علاقه نشان دادن والدین به فرزند را در ارتقای درجات بهشتی مؤثر می‌دانست (فقیهی، ۱۳۹۲): «قُبِّلَ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ؛ (طبرسی، ۱۴۱۴) فرزندان خود را ببوسید که برای هر بوسه‌ای که بر فرزندان می‌زنید، یک درجه در بهشت خواهید داشت که فاصله هر درجه تا درجه دیگر به اندازه پانصد سال راه است».

۴-۱-۲-۳- برقراری ارتباط کلامی و عاطفی

برقراری ارتباط کلامی و عاطفی، از دیگر آثار مدارا در روابط زن و مرد و فرزندان از بعد بیرونی به شمار می‌آید. یکی از مدیریت‌های رفتاری زن در خانواده از نگاه قرآن، مدیریت رفتار با فرزندان به شمار می‌آید.

این نهایت مکرمت و بزرگواری و شخصیت است که فرزندان وقتی از دوستان یا اطرافیان خود اشتباهی ملاحظه کند، و خود را در کمال جوانمردی و کرامت، عمداً به فراموشی بزند و این به فراموشی زدن را در تمام پیش‌آمده‌ای آینده حفظ کند.

نیاز فرزندان به دوستان و ضرورت زندگی اجتماعی برای او از یکسو و تفاوت‌های متنوع آنان با یکدیگر از سوی دیگر، جایگاه و اهمیت عفو و بخشش از خطاهای یکدیگر را نشان می‌دهد؛ زیرا برقراری رابطه دوستانه و صمیمی بین هم نوعان بدون عفو و گذشت، امکان ندارد (انصاریان، ۱۳۸۰).

برقراری ارتباط کلامی و عاطفی با فرزندان از موارد احسان هست و به فرموده قرآن محسنان محبوب خدا هستند آنجا که خداوند می‌فرماید: «...وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۴)... و از خطای مردم درمی‌گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد».

برخی معتقدند: منظور کسانی که از بی‌ادبی و تندخویی مردم درمی‌گذرند (همچون زن و مرد نسبت به فرزندان) خدا آن‌ها را دوست دارد (زحیلی، ۱۴۱۸).

عفو و گذشت به اندازه‌ای مهم است که قرآن مجید اجر عفو کننده را بر خدا می‌داند: «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» (شوری: ۴۰) کسی که گذشت کند و اصلاح نماید، اجرش بر خداست».

منظور کسی که از ظلم دیگران گذشت کند و اصلاح نماید، اجرش بر خداست (مظهری، ۱۴۱۲).

گاهی مادر بین دوراهی بخشیدن یا عقوبت کردن، متحیر می‌ماند و قادر به تصمیم‌گیری نیست. در اینجا بخشش، رجحان دارد. ترجیح بخشش بر عقوبت از آن روست که اولاً این عمل، فضیلتی اخلاقی است و اگر برای فرد خاطی ثمره‌ای نداشته باشد و در تربیت او مؤثر نیفتد، دست‌کم در تربیت فرد بخشنده و تقویت فضیلت اخلاقی در وجود او و افزایش عزتمندی او مؤثر است (انصاریان، ۱۳۸۰).

پس گذشت و عفو فرزندان موجب قرار گرفتن آنان در ردیف صابرات و مؤمنات می‌شود و همچنین در دسته محسنات و مقربات آن درگاه الهی به شمار می‌آیند؛ و بهترین راه به دست آوردن آرامش و سلامت روان و رهایی از اضطراب و ناراحتی و دوری از بدبینی و بی‌اعتمادی، گذشت از بدی‌ها، ظلم‌ها و اشتباهات دیگران است (همان).

عفو و گذشت در کودکان باعث گسترش فریضه امر به معروف و نهی از منکر و تکمیل عقل و افزایش کرامت و تدبیر فرزندان می‌شود زن و مرد در کنار تعلیم اصول دین، می‌بایست دستورات و احکام شرایع آسمانی و اخلاقی همچون عفو و گذشت را نیز به فرزندان آموزش دهند. صرف آموزش هم به تنهایی کافی نیست بلکه پافشاری، تأکید، مراقبت و صبر و حوصله بر اجرای تکالیف الهی فرزندان آنان نیز لازم است.

زن و مرد با مدیریت رفتاری و عفو و گذشت، باید به فرزندان آموزش دهند و تبیین کنند که یادگیری بخشش توسط فرزندان راهی برای کنترل احساسات منفی، افکار نادرست و تسلط بر خود و روابط است. این یک مهارت ضروری است تا روابط افراد به‌ویژه روابط دوستی پایدار بمانند.

بدون تلاش و مدیریت زن و مرد برای بخشیدن دیگران به خاطر اشتباهاتی که در حق ما می‌کنند نمی‌توانیم احساس خوشایندی نسبت به خود و دیگران داشته باشیم. کسی که نمی‌تواند ببخشد نمی‌تواند دوباره اعتماد کند. بخشیدن راهی برای حل مشکلات فرزندان است که چه بخواهند یا نخواهند در روابط به وجود می‌آیند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸).

اولاد چه دختر و چه پسر از بزرگ‌ترین و با منفعت‌ترین نعمت‌هایی است که حضرت حق به بندگان مؤمنش عنایت می‌کند. فرزند نعمت فوق‌العاده‌ای است، منبع خیر است، منبع کرامت و سود دنیا و آخرت برای انسان است، البته انسانی که مؤمن به حق است. به خاطر ایمانش فرزندان خود را مؤمن و صالح و شایسته تربیت می‌کند (انصاریان، ۱۳۸۰).

رسول اکرم (ص) حدیثی را بیان فرموده‌اند: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يَغْفَرَ لَكُمْ» (طبرسی، ۱۴۱۴) فرزندان خود را گرامی بدارید و خوب تربیتشان کنید تا گناهان شما آمرزیده شود».

عفو و گذشت فرزندان توسط زن و مرد سبب می‌شود فرزندان در خانواده و در ارتباط با بزرگ‌ترها یاد می‌گیرند که به کسانی احترام بگذارند که به او در عمل و گفتار احترام می‌گذارند. مشخص است وقتی کودک و نوجوان به کسی احترام می‌گذارند، او را هم بیشتر دوست دارند و هم بهتر و ساده‌تر از او اطاعت می‌کنند. در واقع او را به‌عنوان الگویی برای خود در نظر می‌گیرند و رفتارهایشان را شبیه به او می‌کنند (تعدادی از نویسندگان، ۱۳۹۹).

۴-۱-۲-۳- توجه به نیازهای همه‌جانبه

توجه به نیازهای همه‌جانبه، از دیگر آثار مدارا در روابط زن و مرد و فرزندان از بعد بیرونی به شمار می‌آید. «فرزندان، با جاده‌ای ناهموار و گردنه‌هایی طولانی روبه‌روست. از سوی دیگر، به دلیل جوانی، توقع دارد که زن و مرد با توجه به نیازها، وقت بیشتری را برای باهم بودن بگذارد و خواسته‌ها و انتظارات و نیازهای فرزندان توسط زن و مرد باید رفع شوند. در چنین فضایی، تنها مدیریت عاقلانه و ماهرانه زن و مرد، می‌تواند فرزندان را از این کشاکش سنگین برهاند و با توجه به این‌که مدیریت خانواده در اسلام به زن و مرد سپرده شده، این موضوع، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۱).

از آنجاکه انسان‌ها به‌طور طبیعی و فطری گرایش به فرزند دارند و بخشی از نیازهای عاطفی خویش را این‌گونه پاسخ می‌دهند، ولی فرزند برای انسان، هم آزمونی بزرگ است و هم مسئولیتی خطیر.

انسان‌ها برخلاف دیگر موجودات، نه تنها به پرورش مادی در کودکی می‌پردازند بلکه به پرورش روحی و معنوی فرزندان حتی در نوجوانی و جوانی و میان‌سالی نیز می‌اندیشند. این‌گونه است که حس مسئولیت در انسان فراتر از سال و حتی نسل می‌باشد و برای نسل‌های آینده خود نیز می‌اندیشد و برنامه نیازهای همه‌جانبه دارد (عظیم‌زاده، ۱۴۰۰).

لذا سخن از ذریه و نوادگان در حوزه تربیت فرزندان به میان می‌آید. انسان‌ها برای تأمین آینده فرزندان خویش و توجه به نیازهای همه‌جانبه می‌اندیشند و این کار هرچند که از نظر دین اسلام پذیرفته است اما باید نسبت به آینده معنوی و خوشبختی همراه با آرامش و آسایش دائمی آنان نیز حساس بود.

از این‌رو خداوند به‌عنوان نمونه گزارش‌هایی از نگرانی‌های حضرت ابراهیم ۸ و حضرت یعقوب ۸ نسبت به هدایت و آینده و توجه به نیازهای همه‌جانبه فرزندانش بیان می‌کند تا معلوم دارد که این دغدغه، امری طبیعی برای بشر حتی پیامبران است (همان).

حضرت نوح (ع) نگران آینده و توجه به نیازهای همه‌جانبه فرزندان و نسل‌های خود می‌باشد و این نگرانی و احساس خطر به‌گونه‌ای بوده است که خداوند در آیات ۲۶ و ۲۷ سوره نوح به آن توجه داشته و گزارش می‌کند.

«وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا* إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا: و نوح گفت: ای پروردگار من، بر روی زمین هیچ‌یک از کافران را مگذار* که اگر بگذاریشان، بندگان را گمراه می‌کنند و جز فرزندان فاجر و کافر نیاورند.»

وَقَالَ نُوحٌ و گفت نوح رَبِّ ای پروردگار من لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ و امگذار بر روی زمین مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا از کافران نزول کننده در دار را اصل دیار دیوار بر وزن فاعل است که مشتق است از دار یا مشتق است از دور و این کلمه مستعمل در نفی عام است پس دیاراً به - معنی احدا است یعنی یکی از ایشان را بر روی زمین مگذار (رازی، ۱۳۷۱).

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ به‌درستی که تو اگر واگذاری ایشان را يُضِلُّوا عِبَادَكَ گمراه گردانند بندگان تو را وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا و نیاورد مکر فجور کننده و به‌غایت انکار نماینده دین حق را (لاهیجی، ۱۳۷۳).

علی بن ابراهیم از صالح بن میثم روایت کرده که او گفت: من از حضرت امام محمدباقر (ع) پرسیدم: که نوح چه می‌دانست که لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا؟ امام ۸ فرمود: آیا نشنیده که حق تعالی به نوح گفت: «أَنَّ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ» (همان).

۴-۱-۲-۴- ایجاد امنیت روانی

از دیگر آثار مدارا در روابط زن و مرد و فرزندان از بعد بیرونی، ایجاد امنیت روانی است خانواده مهم‌ترین کانون تأمین‌کننده نیازهای جسمانی، روانی و معنوی فرزندان است و همه تلاش پدران و مادران مسئول و آگاه باید بر این اصل بنیاد شود که فضای خانه و خانواده سرشار از امنیت، محبت و آرامش باشد.

اعضای خانواده به‌ویژه فرزندان باید در خانه احساس امنیت و آرامش روانی کنند و کانون خانواده را بهترین و امن‌ترین پناهگاه بدانند. میان والدین و فرزندان باید رابطه‌ای ایجاد شود که آنان بتوانند آزادانه احساسات، اضطراب‌ها و نگرانی‌های خود را بدون احساس ترس یا طرد شدن با والدین در میان بگذارند (سامانی، ۱۳۸۶).

والدین باید فرزندان را بدون شرط و آن‌گونه که هست بپذیرند؛ هرچند ممکن است رفتار فرزند دلخواه آنان نباشد. نباید دائماً لغزش‌های فرزند یادآوری شود و او را ملامت کرد و برای گناهانشان همواره کیفر شوند (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ق، ج ۲، ص ۱۰۵) که این‌گونه کارها امنیت آنان را به خطر می‌اندازد (فقیهی، ۱۳۹۲).

نباید به‌گونه‌ای حرف زد یا رفتار کرد که فرزندان دائماً احساس کنند تویخ می‌شوند؛ بلکه باید از کارهای نادرست که انجام داده‌اند آگاه شوند و میزان فاصله آن‌ها از حق و حقیقت برایشان مکشوف گردد. آنان باید بفهمند که از آلودگی‌ها روی برگردانند و به‌گونه‌ای رفتار کنند که نیکوکاران رفتار می‌نمایند (حرآنی، ۱۴۰۴).

بنابراین، در آموزه‌ها و تعالیم اسلامی، خانواده مطلوب خانواده‌های است که میان انگیزه‌های متنوع اعضای خانواده، تعادل ایجاد کرده و ضمن معرفی الگوهای برتر دینی، آنان را از آلودگی‌ها و درگیری‌های روانی رهایی می‌بخشد (فقیهی، ۱۳۹۲).

تأمین نیاز امنیت، از نگاه روانشناسان، دارای دو لایه زیرین و رویین است. لایه زیرین، اصل حضور فیزیکی زن و مرد است. لایه رویین، چگونگی برخورد با کودکان است. برخوردهای پدر و مادر باید به‌گونه‌ای باشد که بچه‌ها خانه و خانواده خود را یک پناهگاه امن به حساب آورند و حرف‌هایشان را بتوانند در جمع مطرح کنند (عباسعلی، ۱۳۸۴).

«سفیان ثوری» یکی از یاران امام صادق (ع) می‌گوید: «بر آن حضرت وارد شدم و دیدم ایشان خیلی ناراحت هستند و رنگ از چهرشان پریده است. پرسیدم: ای پسر رسول خدا! چرا این قدر ناراحت هستی؟ حضرت فرمودند: از این پیش، اهل خانه را از رفتن به پشت‌بام نهی کرده بودم. هنگامی که وارد خانه شدم، دیدم یکی از کنیزان که پرستاری یکی از کودکانم را به عهده داشت، از پلکان بالا می‌رود، درحالی که کودکی در آغوش وی بود. همین‌که کنیز مرا دید، مضطرب و نگران شد و فرزندم از دست وی افتاد و همان‌جا مرد. من گفتم: حق دارید، به خاطر اینکه فرزندتان را بدین شکل دل‌خراش از دست دادید، ناراحت بشوید. حضرت فرمودند: اکنون نگرانی من از مرگ فرزند نیست، چون خواست و مشیت خدا این بود بلکه از این جهت ناراحت هستم که من موجب ترس و آشفتگی کنیز شدم و او نتوانست خود را مهار کند. آنگاه امام آن کنیز را آزاد کردند» (مجلسی، ۱۴۰۳).

بنابراین، زن و مرد نباید به خاطر کوچک‌ترین لغزشی، آن‌چنان فرزندان را مورد پرخاشگری قرار دهند که همه قابلیت‌ها و توانایی‌هایش از یاد برود. البته این نکته را هم در ذهن داشته باشیم که امنیت دادن و میدان دادن، نباید به مرز نادیده‌انگاری یا سهل‌انگاری در پایبندی به واجبات و محرمات برسد (عباسعلی، ۱۳۸۴).

۵- بحث و نتیجه‌گیری

یکی از اصولی که در بهبود و رشد روابط انسان با دیگران، تأثیر شگرفی دارد، مدارا و تحمل دیگران است. مدارا یکی از صفات برجسته انسانی است که خداوند این ویژگی را در قرآن به‌عنوان نعمت و رحمت الهی قلمداد فرمود مدارا به‌عنوان یک فضیلت والای اخلاقی که دارای اثری به سزا در حوزه اخلاق فردی و اجتماعی است از اصولی است که در بهبود و رشد روابط انسان با دیگران، تأثیر شگرفی و رعایت آن برای آرامش عمومی جامعه ضروری است.

در این مقاله به روابط بین زن و مرد و فرزندان با تأکید بر آثار درونی و بیرونی مدارا با رویکردی بر آموزه‌های دینی پرداخته شد: آثار درونی مدارا در روابط زن و مرد و فرزندان عبارت‌اند از: حسن ظن نسبت به فرزند، مسئولیت دادن به فرزندان و تکریم آن‌ها، مشورت کردن، توجه به کسب هویت فرزند نوجوان، صداقت، عفو و بخشش نسبت به فرزندان. آثار بیرونی مدارا در روابط زن و مرد و فرزندان شامل موارد ذیل می‌شود: تربیت صحیح و دین‌دارانه، برخورد مثبت، برقراری ارتباط کلامی و عاطفی، توجه به نیازهای همه‌جانبه، ایجاد امنیت روانی. مدارا به‌عنوان فضیلت اخلاقی از جمله صفاتی است که آدمی را در دنیا و آخرت به‌مراتب بلند و درجات ارجمند می‌رساند و نقش بسیار سازنده‌ای در زندگی خانوادگی و اجتماعی انسان دارد زندگی پر از ناگواری‌هایی است که انسان با آن روبرو می‌شود اگر انسان بنا بر مدارا کردن با مردم نگذارد و در مشکلات و ناهمواری‌ها، با دیگران به‌تندی و خشونت رفتار کند، هم به اعتبار اجتماعی و هم به سلامت دینی و اخلاقی خود لطمه خواهد زد.

۶- تقدیر و تشکر

از همه اساتید و دوستانی که به نحوی در نوشتن این مقاله یاری کردند تقدیر و تشکر می‌کنم.

۷- منابع

- ۱- ابن منظور، ج. ۱. (۱۴۰۸). *لسان العرب*. قول. بیروت.
- ۲- احمدی، م. ر. (۱۳۸۵). مبانی روان‌شناختی ارتباط مؤثر والدین با فرزندان در محیط خانواده. *مجله معرفت*، ۱۰۴.
- ۳- ادیبی سده، م. رستگار، ی. و بهشتی، س. ص. (۱۳۹۰). مدارای اجتماعی و ابعاد آن. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۳ (۵۰)، ۳۵۳-۰.
- ۴- انصاریان، ح. (۱۳۸۰). *نظام خانواده در اسلام*. ام ایها (س). قم.
- ۵- آخرت‌گرایی و دنیا‌گریزی. (۱۳۹۳، ۲۳ شهریور). برگرفته از <https://www.pajoohe.ir>
- ۶- آموزه‌های قرآن برای آموزش احترام به فرزندان. (۱۳۹۹، ۲۲ آذر). برگرفته از <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/09/22/2406742>
- ۷- بافکار، ح. (۱۳۹۱). *پدیده فرزندسالاری و رسانه*. مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما. تهران.
- ۸- برخی از محققان (بی‌تا)، «تربیت کودک مسئولیت‌پذیر از راه درست و موثر»، وب‌نماک، کد مطلب: ۶۶۹۶۶.
- ۹- بروجردی، س. م. ا. (۱۳۶۶). *تفسیر جامع*. انتشارات صدر. تهران.
- ۱۰- بلاغی، س. ع. ح. (۱۳۸۶). *حجّه التفاسیر و بلاغ الاکسیر*. انتشارات حکمت. قم.
- ۱۱- بنائیان، ا. (بی‌تا). *توی بدون ترس*. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. تهران.
- ۱۲- بهشتی، ا. (۱۳۹۶، ۱۰ مهر). ده فرمان قرآنی در تربیت کودک. برگرفته از لینک <https://www.tabnak.ir/fa/news/734736/10>
- ۱۳- تمیمی آمدی، ع. م. (۱۳۶۶). *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*. دفتر تبلیغات اسلامی. قم.
- ۱۴- تقفی‌تهرانی، م. (۱۳۹۸). *تفسیر روان جاوید*. انتشارات برهان. تهران.
- ۱۵- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۸). *تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر*. انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). قم.
- ۱۶- حرآنی، ح. ع. (۱۴۰۴). *تحف العقول عن آل الرسول*. اسلامیه. تهران.
- ۱۷- حسن زاده، ص. (۱۳۹۲). عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی. *مجله پژوهش‌نامه معارف قرآنی*، ۴ (۱۵)، ۴۵-۶۸.
- ۱۸- حسینی همدانی، س. م. (۱۴۰۴). *انوار درخشان*. لطفی. تهران.

- ۱۹- دهخدا، ع. (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. انتشارات روزنه. تهران.
- ۲۰- رازی، ا. (۱۳۷۱). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. مشهد.
- ۲۱- زحیلی، و. م. (۱۴۱۸). *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعہ و المنهج*. دار الفکر. دمشق.
- ۲۲- زمخشری، م. ع. (۱۴۲۳). *تفسیر الکشاف*. دارالمعرفه. بیروت.
- ۲۳- ساجدی، ا. (۱۳۸۹). *میزگرد عوامل تضعیف و تقویت خودباوری فرهنگی و علل گرایش جوانان به فرهنگ غیر خودی*. فصلنامه معرفت، ۴۵.
- ۲۴- سامانی، س.، و رضویه، ا. (۱۳۸۶). *رابطه همبستگی خانواده و استقلال عاطفی با مشکلات عاطفی*. سلامت روانشناختی، ۱(۱)، ۳۰-۳۷.
- ۲۵- سلطان علیشاه، س. م. ح. (۱۳۴۴). *بیان السعادة فی مقامات العبادة*. بی نا. تهران.
- ۲۶- سور آبادی، ا. ع. م. (۱۳۸۰). *تفسیر سور آبادی*. فرهنگ نشر نو. تهران.
- ۲۷- سیف، س.، نظری، ز. ف. پور شهر یاری، م.، شعاع کاظمی، م.، و قسامی، م. (۱۳۸۴). *مهارت‌های زندگی زنان خانه دار*. انتشارات دانشگاه الزهرا علیها السلام. قم.
- ۲۸- شاملی، ع. (۱۳۸۴). *فرایند تربیت فرزندان در اندیشه دینی*. *مجله مطالعات راهبردی زنان*، ۲۴.
- ۲۹- شریف لاهیجی، م. م. (۱۳۷۳). *تفسیر شریف لاهیجی*. دفتر نشر داد. تهران.
- ۳۰- شیرینی، ع.، فیروز آبادی، م. ی.، و مرتضی زبیدی، م. م. (۱۴۱۴). *تاج العروس من جواهر القاموس*. نشر دار الفکر. بیروت.
- ۳۱- طباطبایی، س. م. ح. (۱۳۷۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*. موسسه الاعلمی للمطبوعات. بیروت.
- ۳۲- طبرسی، ف. ح. (۱۴۱۴). *مکارم الاخلاق*. تحقیق علاء آل جعفر. قم، اسلامی.
- ۳۳- الطوسی، م. ح. (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. دار احیاء التراث العربی. بیروت.
- ۳۴- عظیم زاده، م. (۱۴۰۰، ۲ اسفند). *فرزند و فرزندداری از نگاه قرآن*. برگرفته از <https://kayhan.ir/fa/news/237063>
- ۳۵- فقیهی، ع.، و نجفی، ح. (۱۳۹۲). *عوامل تربیت عاطفی فرزندان در خانواده؛ برگرفته از احادیث*. *مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ۵(۲)، ۵-۲۷.
- ۳۶- فلسفی، م. ت. (۱۳۷۰). *شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق*. دار الکتب الاسلامیه. تهران.
- ۳۷- قرائتی، م. (۱۳۹۶). *مهارت معلمی*. مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن. تهران.
- ۳۸- قرآن مجید.
- ۳۹- کریمی، م.، و یوسفی، ز. (۱۳۹۵). *آثار خانوادگی و اجتماعی رفق و مدارا از منظر فریقین*. *مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی*، ۴۵، ۴۲-۵۲.
- ۴۰- کلینی، م. ی. (۱۳۶۳). *الکافی*. دارالکتب الاسلامیه. تهران.
- ۴۱- گنجور، م.، ملکوتی، اسماعیل، و موسویان نژاد، ف. (۱۳۹۰). *مؤلفه های الگوی مدارا با همسر و فرزندان از دیدگاه اسلام*. *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، ۱۳(۵۲)، ۵۵-۱۰۹.
- ۴۲- مجلسی، م. ب. (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. دار احیاء التراث العربی. بیروت.
- ۴۳- محمدی ری شهری، م. (۱۳۹۱). *دانشنامه قرآن و حدیث*. دارالحدیث. قم.
- ۴۴- مصطفوی، ح. (۱۳۸۰). *تفسیر روشن*. مرکز نشر کتاب. تهران.
- ۴۵- المظهری، م. ث. (۱۴۱۲). *التفسیر المظهری*. مکتبه الرشیدیة. الباکستان.

- ۴۶- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۸۰). تفسیر نمونه. دار الکتب الاسلامیه. تهران.
- ۴۷- موسوی، ح. (۱۳۹۴). پرسش‌ها و پاسخ‌ها ۵۹: آداب معاشرت دانشجویی. دفتر نشر معارف، قم.
- ۴۸- نوری طبرسی، ح. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. آل البيت لاحیاء التراث. بیروت.
- ۴۹- نهج البلاغه.

Studying Male-female Relationships and Children with an Emphasis on the Internal and External Effects of Tolerance Through Religious Teachings

Sakine Ganj Khanloo¹, Maryam Alizadeh^{*2}

1. Graduated level three, Qur'anic Sciences Tafsir, Zainabiyah Seminary, Alborz Province, Alborz, Iran

s.farhadi_ch@yahoo.com

2. PhD in Islamic Studies and Lecturer, Department of Quran and Islamic Texts, Faculty of Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

alizadeh62@ut.ac.ir

Abstract

Tolerance is one of the prominent human qualities that God considered in the Qur'an as a divine blessing and mercy. Tolerance, as a high moral virtue, has a significant effect on personal and social ethics and is one of the principles that has had a tremendous impact on the improvement and growth of human relations with others. So, its observance is necessary for the general peace of society. In this regard, this article investigated the relations between men, women, and children from a descriptive and analytical perspective focusing on the internal and external effects of tolerance with a religious teaching approach. Tolerance has internal and external results, and tolerance, as a moral virtue, is one of the qualities that bring people high and honorable positions in this world and the hereafter. Also, it plays a very constructive role in the person's family and social life. Life is full of misfortunes that a person might deal with; if one does not build tolerance and behaves harshly and violently with others in times of difficulty and roughness, it will damage both person's social credit and his/ her religious-moral health.

Keywords: Internal effect, External, Tolerance, Man and woman, Children, Religious teachings



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)